

تأثیر یارانه انرژی در تأمین عدالت اجتماعی

محمد مهدی وهابی، سید صالح هندی

چکیده

وضعیت اقتصادی کشور، علی‌الخصوص پس از انقلاب اسلامی بطور غیر قابل‌تصوری با موضوع یارانه در هم تنیده شده است. پرداخت یارانه در دراز مدت و خصوصاً زمانی که هدفمند نبوده و یا اهداف از پیش تعیین شده آن محقق نگردد، لطمات جبران ناپذیری به اقتصاد هر کشوری وارد می‌کند.

هدف اصلی از پرداخت یارانه‌ها، خصوصاً پس از انقلاب، کمک به توزیع عادلانه ثروت بین آحاد مردم بوده است، لیکن بررسی عملکرد اقتصادی طی سه دهه بعد از انقلاب آن را تایید نمی‌کند زیرا به دلیل عدم برنامه‌ریزی مناسب دولت بر نحوه توزیع یارانه، در بخش‌هایی، سهم استفاده افراد پردرآمد از یارانه‌های دولتی چندین برابر افراد کم‌درآمد بوده است. لذا توزیع بخش عمده‌ای از درآمد دولت با عنوان یارانه، نه تنها کمکی به اجرای عدالت اجتماعی نکرده است بلکه شکاف بین اقشار مردم را بیشتر کرده است.

اکثر کشورهای، پرداخت یارانه را به منظور افزایش قدرت خرید مصرف‌کننده و یا کاهش هزینه‌های تولید انجام می‌دهند. که این موضوع در کشور ما، تبدیل به پنهان‌سازی نقاط ضعف کالاها و عدم کیفیت آن با کمک‌های دولتی و یارانه‌هاست.

در بین کالاهای یارانه‌ای، حامل‌های انرژی بیشترین سهم را در سبد کالاهای یارانه‌ای به خود اختصاص داده است که در طی سال‌های اخیر مهم‌ترین دغدغه مسئولین اقتصادی کشور نحوه بهینه‌سازی این موضوع بوده است لیکن تاکنون این مهم محقق نشده است و بیشترین پیچیدگی را برای دولت‌مردان و تصمیم‌گیران اقتصادی کشور ایجاد نموده و تقریباً تبدیل به معضلی اجتماعی شده است.

اکنون بحث یارانه‌ها زمینه‌ای شده که می‌خواهد بسیاری از

ناکارآمدی‌ها را از این طریق جبران نماید، اما باید توجه داشت که نظام تخصیص یارانه بهره‌وری نداشته و از اثر بخشی لازم برخوردار نبوده است. متأسفانه در بسیاری از موارد، ناکارآمدی‌ها با تخصیص یارانه، آن هم از محل درآمدهای نفتی پوشانده می‌شود.

رابطه میان سیاست هدفمندسازی یارانه‌ها و هدف کاهش فقر موضوع مورد مناقشه در میان اقتصاددانان و سیاست‌گذاران است. برخی با اعتقاد به رویکرد متعارف و مرسوم اقتصادی (نئوکلاسیکی) بر این باورند که حذف یارانه‌های همگانی و جایگزینی آن‌ها با یارانه‌های هدفمند، کاراترین سیاست در نیل به هدف مذکور است. برخی دیگر، با نگاهی انتقادی، به این فرضیه با دیده تردید می‌نگرند و بر این باورند که کاهش فقر مستلزم به کارگیری سیاست‌های باز توزیع درآمدی است که ماهیتاً متفاوت از سیاست هدفمند کردن یارانه‌ها است. علاوه بر این، از این دیدگاه، در اقتصادی چون اقتصاد ایران، عوامل ساختاری و نهادی مانع اصلی هستند تا متغیرهای قیمتی. بنابراین، از منظر رشد نیز، رفع این موانع حائز اهمیت‌تر است تا رفع اختلال‌های قیمتی.

این مقاله ضمن تحلیل نحوه توزیع یارانه‌ها، و خصوصاً یارانه‌های انرژی، هدف از پرداخت یارانه انرژی و میزان دستیابی به آن، و اثرات جانبی آن را مورد مطالعه قرار می‌دهد. که نتیجه آن انحراف مشهود نتایج اجرای برنامه با اهداف از قبیل تعیین شده است. جمع‌بندی مقاله برای اجرای بهتر عدالت اجتماعی، پرداخت نقدی یارانه‌ها به شرط کنترل نمودن بعضی از اثرات جانبی منجمله افزایش نقدینگی در جامعه، و جلوگیری از تورم می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: یارانه، سوبسید، عدالت اجتماعی، انرژی، مصرف

انرژی، اقتصاد انرژی

جدول (۲)- کل یارانه انرژی (پیش بینی) در سال ۱۳۸۴ به تفکیک فرآورده ها [۴]

مصرف	قیمت روند فعلی	قیمت واقعی	کل یارانه (میلیارد ریال)
گاز طبیعی	۸۰,۳	۲۶۸,۸	۲۰۶۶۰
برق	۱۷۷,۱	۳۳۳,۳	۲۰۷۷۵
بنزین	۸۱۰	۲۱۰۰	۲۶۶۵۶
گازوئیل	۱۹۳,۶	۱۵۶۳,۱	۳۶۰۷۳
نفت سفید	۱۹۳,۶	۱۵۶۳,۱	۸۹۰۲
نفت کوره	۶۱,۳	۱۰۹۶,۵	۱۰۳۵۲
جمع			۱۲۳۴۱۷

می برد، پس هر چقدر درآمد افراد بالاتر باشد سهم بیشتری اعانه دریافت می نمایند! و از سویی دیگر، خانوارهای کم درآمد نیازهای اساسی تری از انرژی دارند مثل خوراک، بهداشت، مسکن و ...، لذا دولت می توانست این منابع را به آنها تخصیص دهد نهایتاً اینکه با پرداخت یارانه انرژی نه تنها به سمت عدالت اجتماعی حرکت نکرده ایم بلکه از آن نیز فاصله گرفته ایم. [۴]

دلیل صنعتی: دومین دلیل یارانه انرژی در کشور کاهش هزینه های انرژی مصرفی تولید کنندگان است تا هزینه ای که بر مصرف کننده تحمیل می شود کم شود و این مزیت نسبی می تواند منشاء حرکت توسعه اقتصادی کشور باشد و منابع درآمدی زیادی را بوجود آورد. و از طرف دیگر به دلیل پایین بودن قیمت تمام شده محصولات، قدرت رقابت در بازارهای بین المللی افزایش می یابد.

از آنجاییکه سرانه مصرف انرژی کشور بیشتر از سایر کشورهای صنعتی است. لذا مزیت قیمت تمام شده، از طریق مقدار مصرف بیشتر از بین می رود. بنابراین اگر جمع هزینه ها را مبنا قرار دهیم، از طریق عدم کارایی فنی و نبود فناوری مناسب و در نتیجه پایین بودن راندمان، مزیت خود را در این بخش از دست می دهیم.

چون یارانه انرژی در کشور، چه برای آحاد مردم و چه در صنعت از طریق هزینه های جاری پرداخت می شود، لذا دولت حجم قابل توجهی از منابع درآمدی خود را صرف هزینه های جاری می کند، که باعث شده نرخ تنزیل و یا به عبارت دیگر نرخ رجحان زمانی در اقتصاد ما بسیار بالا باشد که این امر باعث انحراف قیمت ها از هزینه نهایی شده و ریسک سرمایه گذاری بلندمدت و تمایل به سرمایه گذاری های کوتاه مدت بسیار بالا باشد. [۴]

پیامدهای پرداخت یارانه در اقتصاد و اجتماع

یارانه ها عمدتاً خود را در دو گروه کالاهای اساسی و حامل های

حمایت از تولید کننده های داخلی، بهینه سازی مصرف، افزایش سطح رفاه عمومی، کاهش وابستگی به واردات، بهبود وضع امنیتی و سیاسی، حمایت از اقشار کم درآمد و نهایتاً برقراری عدالت اجتماعی برشمرد. بررسی سیاست های حمایتی سایر کشورها از پرداخت یارانه انرژی نشان می دهد که هدف همه آنها تقویت دوقشر از جامعه است. گروه اول خانواده های کم درآمد و آسیب پذیر است و گروه دوم خانواده هایی هستند که نسبت میزان هزینه پرداختی انرژی به درآمدها عدد بالایی است.

یارانه انرژی از مهم ترین مباحث اقتصاد انرژی در ایران است. حدود ۸۵ درصد بهای انرژی مصرفی کشور به صورت یارانه توسط دولت پرداخت می شود. بررسی ها نشان می دهد که ارزش گذاری آب و انرژی در ایران بایستی مورد تجدید نظر قرار گیرد سرانه مصرف آب در کشور کم آب ایران بیش از ۲ برابر متوسط جهان است و در کنار آن اتلاف آب در بخش کشاورزی ۶۵ درصد و در مصارف شهری ۳۰ درصد گزارش شده است، این وضعیت در مورد برق و فرآورده های نفتی وخیم تر می باشد. مطالعات نشان می دهد که مردم ایران دارای فرهنگ مصرف گرای می هستند و در همه موارد (آب، برق، سوخت، نان و ...) دارای مصرفی بیشتر از نرم های جهانی می باشند. [۵]

پرداخت یارانه انرژی در ایران دارای دلایل زیادی از جمله تأمین عدالت اجتماعی و ایجاد رقابت در صنایع را به دنبال دارد.

دلیل اجتماعی: یارانه انرژی به دلیل پایین آوردن هزینه انرژی برای افراد کم درآمد است تا فشار کمتری بر آنها وارد گردد، بطور متوسط برای هر خانواده در ماه بین ۸۰ تا ۹۰ هزار تومان یارانه انرژی پرداخت می شود. لیکن سهم افراد روستایی و کم درآمد از سرانه یارانه حدود ۲۸۰۰ تومان در ماه است.

با این روش پرداخت و به منظور تأمین عدالت اجتماعی، کسی که بیشتر انرژی استفاده می کند به میزان بیشتری از یارانه انرژی سهم

اقتصادی جایگزین شد ادامه داشت ولی بعد از آن تصمیم به هدفمند کردن و نهایتاً حذف یارانه‌ها گرفته شد که تحلیل حصول موفقیت آن به بخش‌های بعد واگذار می‌شود. [۳]

وضعیت فعلی پرداخت یارانه

جدول (۱) کلیات بودجه دولت در سال ۱۳۸۳ را نشان می‌دهد، که تقریباً نیمی از بودجه دولت سالیانه صرف کمک‌های دولتی و یارانه هاست. که سهم یارانه انرژی در آن ۳۷/۴ درصد است. یعنی دولت سالیانه بیش از یک سوم بودجه خود را صرف یارانه انرژی می‌نماید و سهم سایر یارانه‌ها از بودجه عمومی ۱۲/۳ درصد است.

مطالعه اعداد و ارقام بودجه سال ۱۳۸۳ (جدول مذکور)، توزیع هزینه‌ها و سهم هریک را مشخص نموده است. دولت حدود نیمی از بودجه خویش را به صورت یارانه بین جامعه توزیع می‌کند. سایر ردیف‌های بودجه‌ای نیز خود می‌تواند شکل دیگری از مساعدت‌های دولت در ایجاد امکانات و زیرساخت‌های جامعه باشد. بطور مثال بودجه عمرانی دولت که در جهت ایجاد زیرساخت‌ها مصرف می‌شود، نمادی دیگر از کمک‌های دولت است که عواید آن از طریق ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی و یا امکانات رفاهی یا فرصت‌های شغلی، نصیب همه جامعه می‌گردد.

لذا از آنجاییکه یارانه انرژی بیشترین سهم را در بودجه سال ۸۳ داشته است. محور بحث این مقاله پیرامون آن، اهداف و میزان تحقق این اهداف خواهد بود.

اهمیت پرداخت یارانه انرژی

اهداف عمده نظام پرداخت یارانه انرژی را می‌توان به صورت:

کمک‌ها در رشد و شکوفایی تولید و اقتصاد بوده است. هرچند گروهی سیاست‌های متضاد دولت در حمایت از صنایع داخلی و واردات کالا را دلیل آن می‌بینند. اما نباید تأثیر این رانت‌ها بر پنهان‌سازی عدم کیفیت کالاها و تولیدات کتمان کرد.

دلیل دوم اینگونه پرداخت‌ها اجرای صحیح توزیع درآمدها و رعایت اصل مساوات بین همه اقشار ملت به مشارکت در بعضی از هزینه‌های سبد خانوارها می‌باشد تا در هزینه‌های ضروری خانواده‌ها شریک شده و از امکانات اولیه زندگی بکاهند. که این موارد را می‌توان در هزینه‌های بهداشت، آموزش و پرورش، آموزش عالی و مابقی عمومی مردم یافت.

تاریخچه پرداخت یارانه در ایران

یارانه در ایران دارای سابقه زیادی است، در زمان صفویه با نوعی تخفیف مالیاتی شروع شده و در زمان قاجار با اعطای بذر و ادوات کشاورزی در جهت توسعه زراعت ادامه یافته و مشخصاً در سال ۱۳۱۱ (ه. ش) با تصویب قانونی برای خرید تضمینی گندم از کشاورزان این سیاست حمایتی ادامه پیدا کرده است.

ایران سهمیه بندی کالای اساسی را در زمان جنگ جهانی دوم تجربه کرد ولی پرداخت یارانه به شکل امروزی برای گوشت و گندم در دهه ۴۰ اتفاق افتاد، با اینکه مبلغ آن بسیار اندک بود. تا سال ۱۳۵۱ یعنی پایان برنامه عمرانی چهارم کلاً ۱/۵ میلیارد ریال یارانه پرداخت شده بود که این مقدار تنها حدود ۱/۴ درصد یارانه در سال ۱۳۵۴ است.

در سال ۱۳۵۳ پرداخت یارانه شتاب بیشتری گرفت و بعد از انقلاب نیز به دلیل تحمیل جنگ و تحریم‌های اقتصادی به ایران، سیاست تثبیت اقتصادی و در نتیجه پرداخت یارانه به طور بسیار فراگیر انجام پذیرفت. این سیاست تا پس از جنگ و سال ۱۳۶۸ که سیاست تعدیل

جدول (۱) - مقایسه یارانه‌ها در سال ۱۳۸۳ با بودجه دولت [۴]

عنوان بودجه	بودجه (میلیارد ریال)	نسبت یارانه انرژی به هریک از بودجه‌ها	نسبت به بودجه کل
بودجه عمرانی	۹۹۸۴۱	۱۷۲/۵٪	۲۱/۷٪
بودجه جاری	۳۱۵۷۱۰	۵۴/۵٪	۶۸/۴٪
کمک اجتماعی	۸۵۶۱	۲۰۰٪	۱/۹٪
کل یارانه انرژی	۱۷۲۲۵۶	۱۰۰٪	۳۷/۴٪
کمک بلاعوض و یارانه‌های غیرانرژی	۵۶۷۹۸	۳۰۳٪	۱۲/۳٪
مجموع یارانه‌ها	۲۲۹۰۵۴	۷۵٪	۴۹/۸٪
کل بودجه دولت	۴۵۹۹۲۴	۳۷/۴٪	

جدول (۳) - سهم خانوارها از یارانه بنزین و گازوئیل به تفکیک شهری و روستای و دهک های هزینه [۷]

دهک حامل ها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	جمع	بنزین	
												شهری	روستایی
شهری	۰/۵	۱/۴	۲/۰	۲/۷	۳/۷	۵/۳	۶/۴	۹/۳	۱۱/۹	۲۳/۶	۶۶/۸	شهری	۰/۱۴
روستایی	۰/۱۴	۱/۰	۱/۱	۱/۶	۱/۸	۲/۴	۳/۴	۳/۸	۶/۱	۱۱/۷	۳۳/۳	روستایی	۰/۱۹
جمع	۰/۱۹	۲/۴	۳/۱	۴/۳	۵/۵	۷/۷	۹/۸	۱۳/۱	۱۸/۰	۳۵/۳	۱۰۰/۱	جمع	۰/۱۶
شهری	۰/۱۶	۰/۱۹	۰/۷	۲/۰	۰/۶	۲/۱	۲/۵	۸/۳	۸/۳	۶/۴	۳۲/۴	شهری	۰/۳
روستایی	۰/۳	۰/۴	۱/۶	۱/۶	۲/۷	۴/۳	۴/۷	۷/۴	۱۴/۴	۳۰/۱	۶۷/۵	روستایی	۰/۱۹
جمع	۰/۱۹	۱/۳	۲/۳	۳/۶	۳/۳	۶/۴	۷/۲	۱۵/۷	۲۲/۷	۳۶/۵	۹۹/۹	جمع	

هر چه ارزان تر شود، مصرف بیشتر می شود. با عنایت به موضوع پرداخت یارانه انرژی، ضروری است نگاهی به توزیع یارانه ها داشته باشیم. در نمودارهای (۱) و (۲) توزیع یارانه انرژی به تفکیک بخش ها و حاملهای انرژی آورده شده است. [۷]

با عنایت به نمودار شماره (۱)، عمده ترین مبلغ یارانه به بخش حمل و نقل و خانگی (حدود ۶۴ درصد) که مستقیماً از هزینه های جاری است پرداخت می شود و حدود ۳۰ درصد به برق و ۷۰ درصد به مواد سوختی پرداخت می شود.

توزیع یارانه از نظر نوع مصرف می تواند ما را در تحلیل برآورده شدن هدف پرداخت یارانه یاری نماید. در بررسی نحوه توزیع یارانه انرژی در بین خانوارها مشاهده می شود که وضعیت مصرف دو حامل برق و گاز طبیعی با فرآورده های نفتی دیگر متفاوت است، زیرا برخلاف فرآورده های نفتی، قیمت برق و گاز طبیعی به صورت پله های افزایش پیدا می کند. بنابراین بطور کلی توزیع یارانه های برق و گاز طبیعی به نسبت عادلانه تر از توزیع یارانه های دیگر حاملهای انرژی است. [۱]

برای بررسی بهتر، خانوارها را از نظر مقدار هزینه سالانه خود به ده دهک تقسیم می کنیم. دهک اول نشان دهنده ۱۰ درصد از خانوارهایی است که کمترین هزینه سالانه را داشته اند (فقیرترین قشر) و دهک دهم نشان دهنده ۱۰ درصد از خانوارهایی که بیشترین هزینه سالانه (مرفه ترین قشر) را دارا بوده اند.

هرچند هدف از پرداخت یارانه، تحقق عدالت اجتماعی ذکر شده، لیکن بررسی سهم استفاده خانوارها از یارانه های حامل انرژی به تفکیک دهکهای هزینه صراحتاً نشان می دهد که عدم تحقق عدالت اجتماعی از طریق پرداخت یارانه صورت پذیرفته است. در حقیقت، اموال عمومی که متعلق به تمامی شهروندان ایرانی است را به قشر مرفه جامعه پرداخت می نماییم. این آمار به تفکیک تمامی حامل های انرژی

انواع قیمت کالاها و خدمات است و همچنین دستمزدها و حقوق ها هستند. پرداخت های انتقالی، یارانه ها، انواع یارانه های تولیدی، مصرفی، مالیاتی و حتی انتقال منابع از دولت مرکزی به استان ها همه اینها تحت عنوان پرداخت های انتقالی منابع از دولت صورت بگیرد. نظام قیمتی ما از یک طرف منعکس کننده و از طرف دیگر اثر گذار بر نظام اجتماعی و اقتصادی ماست. مساله بعدی سازمان نیافتن نظام قیمت ها و پس از آن یارانه ها می باشد، که روزانه دارد به ما چه از لحاظ نامطلوب بودن تخصیص منابع و چه از لحاظ عدالت اجتماعی و چه از لحاظ رشد اقتصادی لطمه می زند.

میزان تحقق اهداف

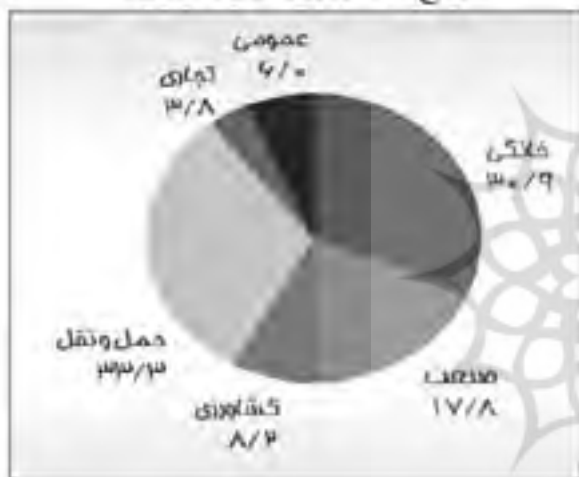
بررسی آمار و اطلاعات منتشر شده نشان می دهد که دهک های درآمدی بالا، ۲۰ برابر گروه های پایین درآمدی، هزینه می کنند. توزیع درآمد در دوره بعد از انقلاب، به شدت بهتر از قبل از انقلاب است. ولی با اینکه قدری بهتر شده لیکن هنوز با اجرای عدالت اجتماعی فاصله دارد. موضوع یارانه باید به توزیع بهتر درآمد، کمک می کند. یعنی اگر از اقشار قوی بگیرد و به ضعیف بدهد، توزیع درآمد هم بهتر می شود. در مورد بنزین و برق، سهم ۲۰ درصد بالای جامعه از کل مصرف بنزین ۵۰ درصد است، در حالی که ۲/۸ درصد را دو دهک پایین جامعه مصرف می کنند. در مورد برق ۳۴/۸ درصد را این ۲۰ درصد مرفه استفاده می کنند و ۱۱/۴ درصد را ۲۰ درصد با درآمد پایین. از این وضع چه استنتاجی می شود کرد؟ اگر ما این روش را ادامه دهیم، شکاف درآمدی بدتر خواهد شد. یارانه ها باید طوری توزیع شود که سهم ها را جا به جا کند نه اینکه همان وضع را نگاه دارد. به وسائل حمل و نقل عمومی در همه جای دنیا یارانه داده می شود. زبان یارانه های کنونی چیست؟ تشدید اختلاف طبقاتی، تشدید مصرف. این جزء قواعد اقتصاد است که

مسأله دیگر اینکه، وجود تورم که از عدم انضباط پولی و مالی دولت سرچشمه می‌گیرد وضعیت انحراف قیمت‌ها را بدتر کرده است، وجود تورم می‌تواند قراردادهای بین افراد و قواعد بازی را به هم بزند و ما نتوانیم به اقتصاد معقول دست پیدا کنیم. لذا انحراف قیمت‌ها محور اقتصاد ما است و ضربه بسیار بزرگی به نظام اقتصادی وارد کرده است. نظام قیمت‌ها هسته اصلی هر اقتصادی است.

اقتصاد مثل یک منظومه‌ای است که هسته اولیه آن قیمت‌هاست که رفتارها را تبیین می‌کند. بنابراین مخدوش کردن و برهم زدن نظام قیمتی تحت هر بهانه‌ای ناپیوسته است. در یک نظام حتماً عدالت اجتماعی و رشد اقتصادی باید به طور موزون پیش برود. لذا فهم سیستم‌های قیمتی پیش نیاز پرداخت یارانه‌ها خواهد بود. نظام قیمتی موجود به شدت به اتلاف منابع صدمه می‌زند، تبعات بسیار گسترده اجتماعی دارد و حتی مردم را از دولت دور می‌کند.

نظام قیمت صرفاً یک نظام اقتصادی نیست. نظام قیمت شامل

توزیع یارانه انرژی به تفکیک بخش‌ها



نمودار (۱)

یارانه انرژی به تفکیک حامل‌های انرژی



نمودار (۲)

انرژی نشان می‌دهند. دوگانگی قیمت این کالاها مشکلات عدیده‌ای را از جمله عدم تخصیص کارآمد منابع، افزایش مصرف، افزایش اتلاف منابع، قاچاق و بروز مفاسد اقتصادی در اقتصاد ایران ایجاد می‌کند، در عین حال یارانه‌ها نیز در این موارد به صورت هدفمند به مصرف کنندگان پرداخت نمی‌شود، بسیاری از یارانه‌ها از قبیل یارانه بنزین تنها مشمول مصرف کنندگانی می‌شود که صاحب خودرو هستند و بقیه مردم از آن سهم چندانی ندارند. چنانچه بحث‌های ناکارایی یا جنبه‌های دیگری از عدالت از قبیل عدالت اقتصادی را، مطرح کنیم لازمه تحقق آن این است که می‌بایست در کنار این بحث‌ها، قوانین و لوائحی مطرح شود که با ناکارایی‌ها و ناکارآمدی‌ها شدیداً مبارزه و مقابله شود. اکنون بحث یارانه‌ها زمینه‌ای شده که می‌خواهد بسیاری از ناکارآمدی‌ها را از این طریق جبران نماید، اما باید توجه داشت که نظام تخصیص یارانه بهره‌وری نداشته و از اثر بخشی لازم برخوردار نبوده است. متأسفانه در بسیاری از موارد، ناکارآمدی‌ها با تخصیص یارانه آن هم از محل درآمدهای نفتی پوشانده می‌شود. در حال حاضر ساز و کار اقتصادی بر تصمیمات حاکم نیست.

آیا می‌توان اقتصاد را با تصمیم‌گیری سلیقه‌ای سامان داد، یا اینکه باید ساز و کارهای اقتصادی را حاکم ساخت؟ مکانیسم نظارت بر اقتصاد چگونه است؟ از طریق حاکمیت قرارداد اجتماعی یا از طریق ساز و کار اقتصادی یا هر دو یا هیچکدام؟

در اقتصاد کلاسیک اساساً یارانه وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد، برای عدالت خواهی نیست. زیرا هدف اقتصاد نئوکلاسیک حداکثر کردن کارایی یعنی دستیابی به نقطه بهینه پارتو است. بهینه پارتو هم حالتی است که عوامل تولید به بهترین نحو تخصیص داده می‌شوند، کلمه بهترین یعنی اینکه سود به حداکثر می‌رسد و محصولات تولید شده هم به بهترین نحو به مصرف کنندگان تخصیص داده می‌شود. و اینجا هم کلمه "بهترین" یعنی اینکه مطلوبیت کل تولید اضافه می‌شود. تولید فقط به یک گروه خاصی برسد و یا بین گروه‌های اجتماعی کاملاً مساوی تقسیم شود. برای رسیدن به نقطه بهینه پارتو قیمت را تنها ابزار کارآمد تعریف می‌کنند و هر گونه مداخله دولت را در این سیستم ممنوع می‌دانند. مداخله دولت باعث می‌شود که قیمت‌ها از حالت تعادلی آزاد خود منحرف و سیستم از نقطه بهینه خود دور شود. به عبارت دیگر کارایی سیستم را کاهش می‌دهد. لذا پرداخت یارانه‌ها، پیام‌رسانی قیمت‌ها را مخدوش می‌کند، قیمت‌ها منحرف شده و آن کار کردی که از آن (قیمت) انتظار می‌رود که بهترین تخصیص عوامل و کالاهای محصول اتفاق افتد، اتفاق نمی‌افتد. در نتیجه با یارانه دادن علی‌الاصول مخالف هستند. این بهینه پارتو با عدالت چه نسبتی دارد؟ برخی از طرفداران نظام مدل نئوکلاسیک ادعا می‌کنند که نظریه بهره‌وری نهایی همان نظریه عدالت توزیعی است. این جمله را بیان می‌کنند که: در تولید ملی هر کس همان قدر سهم دارد که در تولید نقش دارد. این حرف اساس علمی ندارد که بتوانیم از آن به عنوان یک نظریه عدالت‌خواهانه دفاع کنیم. چون اساساً نظریه بهره‌وری نهایی برای استخدام بهینه عوامل تولید است نه نظریه توزیع عادلانه درآمد.

دستمزدهای واقعی برای خانوارهای فقیر ممکن است با اثر مثبت یارانه نقدی پرداخت شده به آن‌ها برابری و یا درصد مهمی از آن را خنثی کند. علاوه بر این با افزایش قیمت‌ها احتمال به زیر خط رفتن خانوارهای قرار گرفته در انتهای گروه درآمدی بالای خط فقر مورد نظر نیز وجود دارد که در محاسبات مد نظر قرار نمی‌گیرند. دومین پیش شرط، شناسایی تقریباً دقیق خانوارهای هدف است. چنانچه این شناسایی بر مبنای معیار درآمدی صورت گیرد اطلاعات دقیقی درباره وضع درآمدی خانوارها مورد نیاز است که معمولاً در کشورهای در حال توسعه وجود ندارد؛ به همین دلیل، بررسی‌های انجام شده نشان می‌دهد که سیاست هدفمند کردن یارانه‌ها همراه با خطاهایی است که بسته به ابعاد آن می‌توان کارایی این سیاست را از زاویه دیگری مورد ارزیابی قرار داد. دو نوع خطا به هنگام شناسایی و پرداخت نقدی به وجود می‌آید: خطای نوع اول که به معنای پوشش کمتر از حد خانوارهای هدف است و خطای نوع دوم که به معنای پوشش درصدی از خانوارهای غیر هدف است. هرچه خطای نوع دوم بالا باشد، به این معناست که یارانه‌های هدفمند به سمت یارانه‌های همگانی میل می‌کند و هرچه خطای نوع اول بالا باشد به این معناست که درصدی از خانوارهای هدف مورد پوشش قرار نمی‌گیرند و بنابراین در شرایط جدید همراه با رهاسازی قیمت‌ها شدت فقر آن‌ها

به نسل فعلی این سرزمین نیست بلکه فرزندان بعدی ما هم در آن شریک‌اند. روش معقول، منصفانه و عدالت محورد بهره برداری از این ثروت این است که لا اقل اصل درآمد برای همه نسل‌ها باقی بماند و هرنسلی تنها از سود حاصل از به‌کارگیری این درآمدها در امور سرمایه‌گذاری و تجاری استفاده کند، مانند آنچه بعضی کشورها سال‌هاست که انجام می‌دهند. اگر رعایت اصل فوق به هر بهانه یا دلیلی امکان‌پذیر نباشد، اصل درآمد نفت به هیچ‌وجه صرف هزینه‌های جاری نشده بلکه صرف سرمایه‌گذاری در طرح‌های عمرانی زیربنایی کشور شود. طرح‌هایی که سال‌ها عمر داشته و نسل‌های آتی هم از آن بهره‌مند خواهند شد.

یارانه‌های هدفمند نقدی به عنوان راحت‌ترین ابزار بازتوزیع درآمدی مطرح می‌شود. که به اقشار ملت تعلق می‌گیرد؛ که این ابزار سیاستی مستلزم پیش شرط‌هایی است که وجود آن‌ها در عمل مورد تردید است. اولین پیش شرط این است که همراه با اجرای سیاست‌های تعدیل، تورم افزایش نیابد. در غیر این صورت، سهم‌بری صاحبان دارایی‌های ثابت با افزایش قیمت کالاها و خدمات افزایش می‌یابد و بنابراین الگوی جاری توزیع درآمد در بهترین حالت بدون تغییر باقی می‌ماند؛ به عبارتی دیگر اثر ثانویه منفی افزایش قیمت‌ها و کاهش

جدول (۴) - اثرات تورمی حذف یارانه (دستمزد و سود سرمایه تعدیل نشود) *

(ارقام به درصد)

اثر کل	اثرات غیر مستقیم (روی بودجه خانوار)	اثرات مستقیم (روی بودجه خانوار)	
۱/۴۷	۱/۱۷	۰/۳	بنزین
۰/۸۱	۰/۷۸	۰/۰۳	نفت گاز
۰/۰۳	۰/۰۳	۰	نفت کوره
۲/۳۱	۱/۹۸	۰/۳۳	اثر کل

* بر مبنای قیمت جهانی انرژی در سال ۱۳۸۴.

جدول (۵) - اثرات تورمی حذف یارانه (دستمزد و سود سرمایه تعدیل شود) *

(ارقام به درصد)

اثر کل	اثرات غیر مستقیم (روی بودجه خانوار)	اثرات مستقیم (روی بودجه خانوار)	
۳/۷۱	۳/۴۱	۰/۳	بنزین
۲/۱۵	۲/۰۲	۰/۰۳	نفت گاز
۰/۱۸	۰/۱۸	۰	نفت کوره
۵/۸۴	۵/۵۱	۰/۳۳	اثر کل

* بر مبنای قیمت جهانی انرژی در سال ۱۳۸۴.

موجود می‌باشد ولی برای جلوگیری از اطاله مطلب فقط آمار مربوط به یارانه بنزین و گازوئیل که از تمام موارد دیگر حادث می‌باشد در جدول (۳) آورده شده است. [۷]

باعنایت به جدول فوق، می‌توان گفت، دو دهک بالای جامعه بیش از ۴۳ درصد و دو دهک پایین جامعه کمتر از ۷ درصد یارانه را استفاده می‌کنند. (بیشتر از ۶ برابر). در مصرف بنزین این اختلاف عجیب‌تر است، در خانوارهای شهری دهک دهم، حدود ۵۰ برابر دهک اول، در خانوارهای روستایی دهک دهم، ۳۰ برابر دهک اول و در مجموع کل جامعه، دهک دهم ۴۰ برابر دهک اول از یارانه بنزین بیشتر استفاده می‌نمایند. [۱]

در خصوص بنزین باید اضافه کرد که قیمت بنزین در ایران کمتر از ۱۰ سنت است (ارزانتر از آب معدنی). در صورتیکه قیمت متوسط عمده فروشی آن در بازارهای بین‌المللی ۵۰ سنت می‌باشد و در بعضی از کشورها از مرز ۲ دلار نیز گذشته است و دیگر اینکه ایران حدود ۴۵ درصد بنزین مصرفی خود را از خارج وارد می‌کند بطوریکه در سال گذشته ۲/۵ میلیارد دلار صرف واردات بنزین شده است که در سال جاری قطعاً به دلیل افزایش قیمت نفت بسیار بیشتر خواهد شد. در ضمن بهتر است به یاد داشته باشید که رشد سالیانه مصرف بنزین در ایران ۱۱ درصد می‌باشد. [۸]

ضرورت اصلاح نظام یارانه

فروش کالاهای سوبسیدی مانند فرآورده‌های نفتی، با قیمتی بسیار ارزان باعث رشد بی‌رویه مصرف، اسراف و قاچاق می‌شود. می‌بایست با منطقی کردن قیمت‌ها، تغییر ساختار سیستم‌های انرژی در جهت بهینه نمودن مصرف انرژی، به اسراف و قاچاق این کالاها خاتمه داد و با اقدامات جبرانی و برقراری سیستم‌های کمکی خاص، فشارهای تورمی ناشی از اصلاح قیمت‌ها را بر افراد جامعه به‌ویژه طبقات محروم و آسیب‌پذیر خنثی کرد.

الف- کاهش عدالت و رفاه اجتماعی: توزیع ناعادلانه یارانه انرژی در دهک‌های جامعه از یک طرف و مقدار آن از طرف دیگر موید این امر است. برآوردهای کارشناسی نشان می‌دهد که میزان یارانه انرژی در کشور ایران حدود ۱۳ درصد تولید ناخالص داخلی کشور (GDP) است و در صورت هدفمند شدن و انتقال این مبلغ به حمایت‌های اجتماعی تحول‌عظیمی در کشور ایجاد خواهد شد. [۹]

ب- کاهش کارایی، راندمان و اتلاف انرژی: روند تصاعدی مصرف انرژی، موجب افزایش قیمت تمام‌شده انواع کالاها و خدمات و کاهش قابلیت رقابت اقتصادی کشور در جهان می‌باشد که با پیوستن ایران به WTO، و امکان واردات کالاهای خارجی، تراز بازرگانی کشور دچار مشکل خواهد شد. به عنوان نمونه، در حالیکه جهت تولید هر تن فولاد، کاغذ و قند در ایران به ترتیب ۲۶، ۳۲ و ۳۰ گیگا ژول انرژی مصرف می‌شود متوسط مصرف در دنیا به ترتیب ۲۱، ۱۵ و ۲۰ گیگا ژول می‌باشد. اگر مصرف سالیانه انرژی کشور را حدود ۲۴ میلیارد دلار در نظر بگیریم، حدود ۷ میلیارد دلار معادل ۲۵ درصد میزان اتلاف

انرژی می‌باشد. در میان مصرف‌کنندگان انرژی، بیشترین سهم اتلاف انرژی به بخش خانگی و تجاری تعلق دارد که ۳۵ درصد برآورد می‌شود و بخش‌های حمل‌ونقل، صنایع و نیروگاه‌ها نیز تقریباً به یک اندازه اتلاف انرژی دارند و بخش کشاورزی کمترین سهم از این مقدار را دارا می‌باشد. همچنین این روال باعث رواج فناوری با بازده اندک و در نتیجه از بین رفتن مزیت نسبی صنایع ایران می‌گردد. هزینه‌های اتلاف انرژی از رقم متوسط صادرات غیرنفتی سالانه کشور بیشتر است. [۱۰]

ج- رشد مصرف: افزایش سرسام‌آور مصرف انرژی در کشور، نرخ رشد مصرف بنزین در ایران را به ۱۱ درصد رسانده است و از طرف دیگر به دلیل مقرون به صرفه نبودن عایق‌سازی و استفاده از تکنولوژی‌های نو در صنایع و مجموعاً بهینه‌سازی مصرف انرژی، این رشد همچنان ادامه دارد. ذکر این آمار که مصرف انرژی در ایران برابر با مصرف انرژی در هند است، خود کاملاً گویا است. با فرض اینکه میزان درصد رشد مصرف اضافه نشود تا ۱۳ سال آینده یارانه انرژی به ۳۶ میلیارد دلار میرسد و با توجه به درآمد نفتی و دیگر هزینه‌های دولت، دیگر نفتی برای صادرات باقی نخواهد ماند و تا سال ۱۳۹۷ ایران به یک واردکننده نفت تبدیل می‌شود. به مصرف انرژی ایران در بخش‌های آبی مفصل‌تر خواهیم پرداخت.

د- قاچاق حامل‌های انرژی: با محاسبه نرخ رایج ارز، قیمت نفت سفید در بازارهای مرزی تقریباً ۷ برابر قیمت داخلی، نفت کوره ۸ برابر، بنزین ۳ برابر، گازوئیل ۷ برابر، برق ۳/۲ برابر و گاز طبیعی ۵/۱ برابر است. [۱۱] این اختلاف قیمت باعث شده است تا قاچاق حامل‌های انرژی به شدت رونق داشته باشد. جالب این است که فرآورده‌های نفتی توسط لنج حتی به بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت و گاز جهان، نظیر عربستان و امارات و کویت و قطر نیز قاچاق می‌شود. بنابر گزارشات منتشره طی ۳ سال گذشته ۳۲ هزار پرونده قاچاق سوخت در محاکم دادگستری به ثبت رسیده است که این رقم مربوط به تعدادی است که گرفتار قانون شده‌اند و در سال گذشته مصرف گازوئیل و بنزین در استان‌های مرزی ۲۰ درصد بیشتر از متوسط کشور رشد داشته است. این دقیقاً به مفهوم واریز منابع ملی به جیب شهروندان کشورهای همجوار و عده‌ای سودجو و گسترش جرم و بزهکاری می‌باشد. [۱]

بجز موارد عمده فوق‌الذکر می‌توان به اختصار به موارد دیگر ضرورت اصلاح نظام یارانه نیز اشاره نمود. که از آثار مخرب مصرف اضافی بنزین می‌توان به آسیب جدی محیط زیست در خطر افتادن سلامتی انسان‌ها افزایش پرشتاب شهرنشینی و حاشیه‌نشینی - تولید خودروها با مصرف سوخت بالا - عدم توسعه مناسب بخش حمل‌ونقل عمومی - ترکیب سنی نامطلوب ناوگان حمل‌ونقل - عدم توجه جدی به بهینه‌سازی مصرف سوخت اشاره داشت. [۱]

هدفمند کردن پرداخت یارانه

نفت ثروتی خدادادی است که اگر به نحو معقول از آن استفاده می‌شد اکنون کشور ما وضعیتی کاملاً متفاوت می‌داشت. این ثروت تنها متعلق

چنانچه برای کالایی با کیفیت‌های مختلف، نسبت قیمت به هزینه نهایی آن کالا در کیفیت‌های مختلف متفاوت باشد، می‌توان آن کالا را شامل حال این سیاست قرار داد.

ارائه همزمان کالاهای یارانه‌ای و غیریارانه‌ای کالاهای مشابه: در جهت سیاست هدفمندسازی، فرصت ایجاد شده‌ای است که خانواده‌های با فرصت بیشتر، از آن استفاده خواهند کرد که دارای ویژگی‌های مثبت آن به شرح است:

۱- اثر تورمی رهاسازی قیمت کالاهای یارانه‌ای را ندارد.

۲- هدفگذاری، بدون نیاز به مسأله شناسایی خانوارهای آسیب‌پذیر اجرا می‌شود.

۳- خانوارهای فقیر با پدیده فقر ذهنی شخصیت شکن موجود در هدفگذاری اداری و یا خود اظهاری مواجه نمی‌شوند.

۴- اطمینان بیشتری وجود دارد که خانوارهای فقیر به کالاهای یارانه‌ای دسترسی پیدا می‌کنند.

صدری زاده، سیدفتح الله، "ارزیابی نظام پرداخت یارانه در بخش انرژی"، چهارمین همایش ملی انرژی، ۱۳۸۳.

یدالله، سیوحی، "نقد دلایل عمده پرداخت یارانه انرژی"، میزگرد هدفمندکردن یارانه‌های انرژی.

بختیار، محسن، "هدفمندکردن یارانه‌های انرژی، چالش‌ها و راهکارها"، مجموعه بحران‌های اقتصاد یارانه، اسفند ۱۳۸۳.

شمشیری، محسن، "یارانه فرآورده‌های نفتی و ساختار مالی دولت"، سایت قلم سبز ایران.

متن سخنرانی افتتاحیه وزیر نیرو (مهندس بیطرف) در پنجمین همایش ملی انرژی، ۱۳۸۴.

فتحیان پور، مژگان، "نمایی از مصرف سرسام‌آور یارانه انرژی در کشور"، چهارمین همایش ملی انرژی، ۱۳۸۳.

زنوز، بهروز، "از پرداخت یارانه انرژی تا مصرف بالای انرژی در صنایع" سایت تحلیلگران فناوری نفت و انرژی.

علی دینی ترکمانی، "یارانه‌ها، رشد و فقر"، روزنامه شرق ۸۴/۱۱/۲۴ - سیوحی، یدالله، "تخصیص بهینه منابع یارانه انرژی"، مجله برنامه و بودجه، شماره ۳۴ و ۳۵.

گزارش، "ایران ۶۴ درصد بیش از متوسط مصرف سرانه جهان انرژی مصرف می‌کند." - سایت قلم سبز ایران.

سیوحی، یدالله، "مروری بر ابعاد اقتصادی حذف یارانه‌های انرژی"، سایت تحلیلگران فناوری نفت و انرژی.

گزارش، "یارانه انرژی ۱۵ سال دیگر به ۳۶ میلیارد دلار خواهد رسید"، سایت قلم سبز ایران.

صدری زاده، سیدفتح الله، "ارزیابی نظام پرداخت یارانه در بخش انرژی"، چهارمین همایش ملی انرژی، ۱۳۸۳.

روزنامه همشهری شماره ۳۶۸۴، "نابرابری عمیق در بهره‌مندی اقشار جامعه از یارانه انرژی"، ۸ اردیبهشت ۱۳۸۴.

قاسمی، عابدین، "تحلیل اثرات تورمی ناشی از حذف یارانه‌های انرژی در ایران"، رساله کارشناسی ارشد، رشته توسعه و برنامه‌ریزی اقتصادی، دانشگاه اصفهان.

منابع:

فرجام‌نیا، ایمان، "هدفمندی یارانه‌های انرژی و بهینه‌سازی مصرف" سایت قلم سبز ایران.

مجموعه سخنرانی‌های همایش اقتصاد یارانه، دانشکده معارف اسلامی و اقتصاد، دانشگاه امام صادق.

روزنامه همشهری شماره ۳۸۱۶، "دولت و یارانه‌های سرگردان"، ۱۲ مهر ۸۴.

داوودی، "یارانه انرژی و هدفمند کردن آن"، پنجمین همایش ملی انرژی، ۱۳۸۴.

سایت‌های مرتبط

۱. سایت تحلیلگران فناوری نفت و انرژی

www.techstudies.org

۲. سایت قلم سبز ایران

www.irangreenpen.org

۳. مجله اقتصاد انرژی

www.iraee.org

۴. ماهنامه جهان انرژی

www.energyworldmonthly.com

۵. سایت موسسه بین‌المللی مطالعات انرژی

www.iies.org

۶. مجله برنامه‌بودجه، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور

7. www.barnameh-budjeh.com

افزایش می‌یابد: «به‌طور کلی شواهد نشان می‌دهد که یارانه‌های هدفمند که در برنامه‌های تعدیل جایگزین یارانه‌های همگانی شده‌اند، با کاهش خطاهای E [پوشش جمعیت غیر هدف] و نوعاً با افزایش جدی خطاهای F [عدم پوشش جمعیت هدف] توأم هستند. از آنجا که ارزش واقعی یارانه هر دریافت‌کننده به‌طور معمول افزایش نمی‌یابد، در اغلب موارد، اثر خالص جایگزینی یارانه‌های هدفمند به جای یارانه‌های همگانی، تشدید فقر است.» سومین پیش شرط امکان استمرار پرداخت یارانه نقدی در حد لازم است. و چنانچه تحت شرایطی دولت با کمبود منابع درآمدی مواجه شود، انتظار می‌رود که دست‌کم در آن صورت چنین شرایطی شدت فقر خانوارهای فقیر افزایش یابد و اثر مثبت یارانه نقدی به دست آمده در سال‌های قبل را نیز خنثی کند. پیش شرط چهارم، پایین بودن هزینه‌های اداری و تشکیلاتی یارانه‌های هدفمند است. در غیر این صورت، بار مالی این سیاست به همراه آثار منفی دیگر، ممکن است تمام یا درصد مهمی از دستاوردهای موردنظر در زمینه رشد و کنترل کسری بودجه را خنثی کند. بررسی‌های انجام شده در مورد برخی از تجربه‌ها نشان می‌دهد که: هزینه‌های اداری یارانه‌های غذایی هدفمند، بالا و در حدود دو تا پنج درصد هزینه‌های کل برنامه‌ها بوده‌اند.

حذف پیامدهای منفی

در ضرورت منطقی کردن قیمت انواع سوخت و دیگر کالاهای سوپرسیدی و رساندن آن‌ها به سطح قیمت‌های بین‌المللی اتفاق نظر وجود دارد. ولی آنچه مورد اختلاف است چگونگی جلوگیری از اثرات منفی واقعی و غیرواقعی این اقدام چه به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم، بر اقشار کم‌درآمد و آسیب‌پذیر جامعه است. حذف یارانه به ویژه در مورد سوخت و انرژی تصمیمی بسیار مخاطره‌آمیز است زیرا می‌تواند موجب مخالفت‌های شدید سیاسی-اجتماعی شود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که با حذف یارانه‌ها، قیمت‌های داخلی با متوسط جهانی قیمت انرژی برابر می‌شود که در این صورت به اقتصاد کشور یک شوک قیمتی در حدود ۳۰ درصد افزایش وارد خواهد شد. هرچند این افزایش، نهایت قیمت (افزایش) خواهد بود لیکن چنانچه اثر کثشی و جان‌شنینی و اثر درآمدی در نظر گرفته شود، می‌تواند کمتر از این هم باشد. [۱۱]

بر اساس یک مطالعه انجام شده، اثر واقعی تورمی حذف یارانه، در بعد خانوار بسیار پایین و حدود ۶ درصد می‌باشد و افزایش اضافی بر آن، نتیجه جوسازی و جنجال‌های تبلیغاتی و از طرف دیگر ضعف دولت در کنترل سودجویی و زیاده‌طلبی و افزایش غیرمنطقی قیمت‌ها است. جداول (۴) و (۵) مؤید این امر می‌باشند. [۴]

پیامدهای اصلاح

به دنبال طرح ضرورت هدفمندسازی یارانه، معمولاً موارد زیر به عنوان اهداف سیاست نقدی کردن یارانه‌ها در ایران، طرح می‌شود:

- افزایش کارایی نظام اقتصادی از طریق رهاسازی قیمت انرژی.

- کاهش مصرف انرژی و بهینه کردن مصرف آن و نیز کاهش قاچاق.
- کاهش مخارج عمومی و رفع عدم تعادل بودجه‌ای.
- کاهش شکاف در مصرف انرژی و خدمات بین گروه‌های درآمدی بین جامعه شهری و روستایی.
- کمک به رفع آلودگی هوا
- ایجاد فرصت‌های شغلی جدید از طریق صرفه‌جویی در مصرف و سرمایه‌گذاری‌های جدید

نتیجه‌گیری

رابطه میان یارانه‌ها، رشد و فقر موضوعی مورد مناقشه در حوزه نظریه‌پردازی اقتصادی است. رویکرد نئوکلاسیک با تأکید بر «اثر انحرافی» اختلال‌های قیمتی، یارانه‌های همگانی را مانع تخصیص بهینه منابع و در نتیجه رشد می‌داند. از این منظر، کنترل‌های قیمتی، چه به منظور حمایت از مصرف‌کننده و چه به منظور حمایت از تولیدکننده، در نهایت به ضد خود تبدیل می‌شود و فقر را بیشتر می‌کند. تجربه تاریخی طی دو دهه گذشته نشان می‌دهد که توصیه سیاستی این رویکرد مبنی بر رهاسازی قیمت‌های کالا و خدمات، کاهش پرداخت‌های انتقالی، و کنترل دستمزدها در بسیاری از کشورهای جهان اثر منفی بر وضع رفاهی فقر گذاشته است. از همین رو، در دهه ۱۹۹۰ رویکرد «تعدیل با چهره انسانی» معرفی و طی آن بر تأمین تور ایمنی اجتماعی به منظور حمایت از خانواده‌های کم‌درآمد تأکید شد. در همین راستا بحث جایگزینی یارانه‌های هدفمند به جای یارانه‌های همگانی پیش آمد. یارانه‌های هدفمند می‌تواند جبران بخشی از هزینه‌های وارده را بکند و در عمل کارایی آن مشروط بر وجود پیش شرط‌هایی چون شناسایی دقیق خانوارها، پایین بودن هزینه‌های اداری این روش، استمرار آن، و پایین بودن آثار ثانویه تورمی آن است. در اقتصاد ایران، با توجه به توزیع نابرابر بیش از اندازه ثروت و دارایی به نظر می‌رسد که آثار ثانویه این سیاست بر آثار اولیه آن غلبه و یا درصد مهمی از آن را خنثی کند. علاوه بر این، با توجه به وجود ناکارایی‌های سازمانی، تحقق اهداف مورد نظر از اجرای این سیاست از جمله تحریک رشد اقتصادی و کنترل کسری بودجه، به شدت قابل تردید است. در واقع، رشد اقتصادی بالاتر و کاهش فقر، هر دو در گرو رفع ناکارایی‌های سازمانی و به کارگیری ابزارهای باز توزیعی دست‌کم در حوزه‌های آموزشی و بهداشتی و سلامتی است. و اما، اگر دولت همچنان بر اجرای سیاست هدفمند کردن یارانه‌ها پایبند باشد، بهترین سیاست، کاربرد قیمت‌گذاری تبعیضی بر مبنای کیفیت‌های مختلف کالاها است.

سیاست قیمت‌گذاری تبعیضی

قیمت‌گذاری تبعیضی به معنای تعیین قیمت‌های مختلف برای کالاها و خدمات خاص بر مبنای کشش‌های درآمدی تقاضای مصرف‌کنندگان در بازارهای مختلف است. کالاها و خدماتی یکسان با کیفیت‌های مختلف را نیز می‌توان شامل حال این سیاست قرار داد.

مبتنی بر برنامه ریزی هدفمند و جامع در فرآیند برپایی و استفاده از نتایج برگزاری نمایشگاه‌ها می‌تواند نوید بخش رونق اقتصادی باشد.

اینگونه نمایشگاه‌ها به‌ویژه از دیدگاه صادرات صنعتی و خدمات مناسبترین فرصت‌ها را برای تولید کنندگان و عرضه کنندگان مهیا می‌سازند تا از طریق توانمندی‌های خود به مشتریان بالقوه، افزایش فروش و در نتیجه ارتقای سطح فعالیت اقتصادی خود را رقم زنند.

(علوی، ۱۳۸۳)

با استفاده بهینه از اینگونه نمایشگاه‌ها به‌عنوان یک ابزار بازاریابی می‌توان موجبات توسعه صادرات غیر نفتی کشور را فراهم نمود. بنابراین با توجه به اهمیت موضوع و به علت پژوهش‌های اندکی که تاکنون در این زمینه انجام گرفته است، این مطالعه به بررسی آثار برپایی نمایشگاه‌های تجاری بین‌المللی (تخصص داخلی) بر توسعه صادرات غیر نفتی کشور می‌پردازد.

با این مقدمه کوتاه اهداف پژوهش حاضر را می‌توان به شرح ذیل بیان کرد:

- بررسی و ارزیابی نقش نمایشگاه‌های تجاری بین‌المللی (داخلی) بر عملکرد و تصمیم‌گیری صادرکنندگان ایرانی در خصوص آمیخته بازاریابی بین‌المللی (4p)^(۱).

- بررسی و ارزیابی میزان اثرگذاری برپایی نمایشگاه‌های تجاری بین‌المللی (داخلی) بر توسعه صادرات غیر نفتی کشور.

- ارزیابی کیفیت خدمات نمایشگاهی، ارائه شده از سوی برگزارکنندگان نمایشگاه‌های بین‌المللی

به منظور گردآوری آمار و اطلاعات مورد نیاز از مطالعه میدانی و ابزار پرسش‌نامه و مصاحبه عمیق بهره گرفته شد. بدین منظور ۲۰۱ شرکت یا بنگاه تولیدی، تجاری و خدماتی که در نمایشگاه‌های فوق شرکت نموده‌اند به‌عنوان حجم نمونه در نظر گرفته شد.

در پژوهش حاضر آن گروه از شرکت‌ها یا بنگاه‌های تولیدی، تجاری و خدماتی ایرانی که دارای ویژگی‌های زیر هستند، جامعه آماری پژوهش (جامعه مورد مطالعه پژوهش) را تشکیل داده‌اند:

حضور در نمایشگاه‌های بین‌المللی داخلی طی سال‌های ۸۵-۱۳۸۴، دارای بیشترین حجم فعالیت و ارزش صادرات در گروه کالایی مربوطه، عضویت در تشکل صادراتی و بعضاً به‌عنوان صادرکننده نمونه انتخاب شده و جوایز صادراتی دریافت نموده‌اند.

بدین منظور در ابتدای انواع نمایشگاه‌ها و سابقه برگزاری آن‌ها در کشور بررسی شده و سپس به نتایج تحقیق می‌پردازد.

۱- انواع نمایشگاه‌ها

امروزه با گسترش میزان توجه به نقش مهم برگزاری نمایشگاه‌های صنعتی تجاری و مشارکت در آن به‌عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در فرآیند توسعه ارتباطات، تجارت و مبادلات بازرگانی در سطوح ملی و بین‌المللی، سالانه شاهد برپایی تعداد کثیری از نمایشگاه‌ها در کشورها و مناطق مختلف جهان هستیم. لذا می‌توان انتظار داشت که تقسیم بندی‌های مختلفی به منظور طبقه بندی انواع نمایشگاه‌ها وجود داشته باشد. نمایشگاه‌ها را می‌توان از لحاظ ترکیب تابعیت مشارکت کنندگان

یا حوزه شمول شرکت کنندگان به نمایشگاه‌های داخلی (ملی)، منطقه‌ای و بین‌المللی تقسیم بندی نمود گرچه هر یک از این نمایشگاه‌ها می‌تواند عمومی یا تخصصی باشد. لیکن با بررسی طبقه بندی‌های مختلفی که در خصوص انواع نمایشگاه‌ها ارائه گردیده است می‌توان نمایشگاه‌ها را در شش طبقه بندی ذیل تبیین نمود: (علوی، ۱۳۸۳، ص ۴۳)

۱-۱- نمایشگاه‌های عمومی

در این نوع نمایشگاه‌ها که به آن نمایشگاه‌های افقی نیز گفته می‌شود انواع کالاهای مصرفی، سرمایه‌ای و خدمات به نمایش گذارده می‌شود. در یک نمایشگاه عمومی کالاهای بسیاری از ماشین آلات تخصصی گرفته تا انواع مواد غذایی و البسه به معرض نمایش گذارده می‌شود. همچنین بخش‌های مختلفی خدماتی توانمندی‌های خود را عرضه می‌نمایند. این نمایشگاه می‌تواند از لحاظ حوزه شمول شرکت کنندگان در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برگزار گردد. علاوه بر این مشارکت کنندگان ممکن است براساس کشورهای شرکت کننده و یا گروه‌های کالایی و خدماتی طبقه بندی شوند. بطور معمول بازدید از این نمایشگاه‌ها برای عموم آزاد است لیکن در برخی از موارد ایام خاصی به متخصصین اختصاص می‌یابد و سایر ایام برگزاری جهت بازدید عموم آزاد می‌باشد. این نمایشگاه‌ها از لحاظ وسعت معمولاً در سطحی گسترده و با حضور دامنه وسیعی از مشارکت کنندگان برگزار می‌گردد.

۱-۲- نمایشگاه‌های تخصصی

نمایشگاه‌های تخصصی که به آن‌ها نمایشگاه‌های عمودی هم گفته می‌شود به عرضه کالاها یا خدمات مشخص و یا گروه خاصی از کالاها و خدمات اختصاص دارند که در یک طبقه بندی قرار می‌گیرند و معمولاً عمده‌ترین بخش از بازدیدکنندگان این نمایشگاه‌ها را متخصصین ذیربط آن بخش از صنایع یا خدمات تشکیل می‌دهند و یا بازدید برای عموم آزاد نیست. اصولاً در اغلب کشورهای پیشرفته، گرایش فزاینده‌ای به سوی برگزاری نمایشگاه‌های تخصصی وجود دارد و بازرگانان و صنعت‌گران این کشورها نیز غالباً تمایل به مشارکت در نمایشگاه‌های تخصصی دارند. چرا که در این نمایشگاه عرضه کنندگان با سهولت می‌توانند مخاطبین اصلی خود که در واقع همان مخاطبین مرتبط با آن حوزه فعالیت هستند را ملاقات کرده و به تبادل اطلاعات تخصصی و مذاکرات مفید بپردازند. از جمله این نمایشگاه‌ها می‌توان به نمایشگاه بین‌المللی صنعت خودرو، نمایشگاه بین‌المللی نفت و گاز و پتروشیمی و نمایشگاه بین‌المللی ماشین‌آلات و ادوات کشاورزی، مواد غذایی و صنایع وابسته در کشورمان و یا نمایشگاه تخصصی بین‌المللی آونگا در کشور آلمان یا نمایشگاه تخصصی بین‌المللی "سیال" در کشور فرانسه که اختصاص به عرضه مواد دارند اشاره نمود.

۱-۳- نمایشگاه‌های فروش یا عرضه مستقیم کالا

این نمایشگاه‌ها بیشتر به جشنواره‌های فروش و یا نوعی از بازار